گفت‌وگوی «جوان» با سردار بهزاد اتابکی به مناسبت ۹ تیر سالروز آغاز عملیات کربلای یک

مهران ۴۸ ساعته آزاد شد

صغری خیل فرهنگ

عملیات موفق «کربلای یک» که منجر به آزادسازی شهر «مهران» شد، از سویی پایانی بر استراتژی دفاع متحرک عراق و از سوی دیگر نقطه شروع امیدوارکننده‌ای برای رزمندگان اسلام که ضعف دشمن بعثی را به رخ حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای صدام می‌کشاند بود. عملیات کربلای یک در روز نهم تیر ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی دشت مهران (جبهه میانی جنگ) با رمز یا ابوالفضل العباس(ع) توسط یگان‌های عمل‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفان با اهداف بازپس‌گیری دوباره شهر مهران و ارتفاعات مرزی منطقه و سرکوب و منفعل کردن دشمن آغاز شد. به مناسبت ۹تیر سالروز آغاز عملیات کربلای یک برای آگاهی از چرایی سقوط و چگونگی آزادسازی شهر مهران با سردار بهزاد اتابکی به گفت‌وگو پرداختیم که در عملیات آزادسازی مهران، فرماندهی یگان توپخانه لشکر ۲۵ کربلای مازندران را بر عهده داشت.

سردار اتابکی (نفر دوم از سمت راست) در کنار شهید خیریان که در عملیات کربلای یک شهید شد

چطور شد مهران در اردیبهشت سال ۶۵ سقوط کرد آن‌هم زمانی که ایران از سال ۶۱ ابتکار عمل در جبهه‌ها را به دست گرفته بود؟

بعد از اینکه ما فاو را در عملیات بزرگ والفجر ۸ گرفتیم، دشمن غافلگیر شد. ما هم با کویت هم مرز شده بودیم و هم تنگه خور عبدالله در تیررس موشک‌هایمان قرار گرفت و از سوی دیگر نیروی دریایی عراق کاملاً فلج شد.

بعد از این عملیات بود که سران برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس به صدام گفتند کاری کردی که ایران از نظر سرزمینی بسیار به ما نزدیک شده و کنترل کامل خلیج فارس را هم در دست گرفته است، هر طور شده باید این منطقه را پس بگیری و وعده کمک‌های مالی و لجستیکی هم دادند. میلیاردها دلار هزینه کردند و تجهیزات دادند، اما تنها کاری که توانستند انجام دهند این بود که طی عملیاتی، شهر مهران را که در جبهه میانی بود و ما نیروی زیادی برای دفاع از آن مستقر نکرده بودیم اشغال کردند.

شهر مهران اگرچه الان وسعت یافته اما آن موقع یک شهر کوچک مرزی بود و موقعیت استراتژیکی داشت. البته خالی از سکنه بود. همان رزمندگان حاضر هم مقاومت جانانه‌ای کردند ولی بالاخره سقوط کرد. در واقع تقاضای عراق، مهران در مقابل فاو بود. ما یک شهر استراتژیک را از آنها گرفته و ورودی دریایی عراق را در خور عبدالله بسته بودیم و آنها مهران را گرفته بودند و می‌گفتند مهران در قبال فاو.

بعد هم حضرت امام (ره) دستور دادند مهران باید آزاد شود؟

بله، وقتی مهران سقوط کرد ما تازه وارد فصل گرما شده بودیم و هوا بسیار گرم بود. وقتی خبر به حضرت امام(ره) رسید، دستور دادند مهران باید آزاد شود. بلافاصله شروع به شناسایی منطقه کردیم و چند لشکر مثل لشکرهای ۲۵ کربلای مازندران، محمدرسول‌الله(ص) تهران، ۴۱ ثارالله کرمان و ۸ نجف و یکی دو تیپ برای انجام عملیات آماده شدند. ارتش هم کمک کرد. توپخانه‌هایشان پرحجم شلیک می‌کردند. تیرماه ۶۵ ما از چهار محور وارد مهران شدیم و خوشبختانه در همان روز اول و دوم عملیات، شهر را پس گرفتیم. به ارتفاعات قلاویزان مسلط شدیم و دشمن را عقب راندیم. حتی می‌توانستیم وارد خاک عراق شویم اما اجازه ندادند. شاید هم بعثی‌ها برای ورود ما به عراق برنامه داشتند، این بود که وقتی به نقطه مرزی رسیدیم متوقف شدیم.

> از جناح چپ که روی قله قلاویزان عمل شد دشمن بسیار مستأصل شد. به نیروهایشان گفته بودند هر کس از مهران برگردد اعدام می‌شود. ارتفاعات قلاویزان محورهایی دارد که صعود به آن بسیار سخت است اما رزمندگان ما در مرحله اول کوهپایه‌ها را گرفتند

مسئولیت شما در این عملیات چه بود؟

من فرمانده توپخانه لشکر ۲۵ کربلا بودم. به نوعی مسئولیت توپخانه جناح چپ عملیات را به عهده داشتم. در آن عملیات از جناح چپ که روی قله قلاویزان عمل شد دشمن بسیار مستأصل شد. به نیروهایشان گفته بودند هر کس از مهران برگردد اعدام می‌شود و نیروی زیادی روی ارتفاعات قلاویزان مستقر کرده بودند. باید بگویم ارتفاعات قلاویزان ارتفاعات عجیبی بود. محورهایی دارد که صعود به آن بسیار سخت است اما رزمندگان ما در مرحله اول کوهپایه‌ها را گرفتند و با کمک توپخانه و زرهی توانستیم خطوط دشمن را درهم بشکنیم. من تفنگ سیمینوف داشتم و دیده‌بانی می‌کردم و تک تیرانداز هم بودم و با آن تفنگ راحت ارتفاعات را می‌زدم. بچه‌ها خیلی شجاعانه جنگیدند. تعداد زیادی از نیروهای دشمن محاصره و اسیر شدند. وقتی فرمانده تیپ ۱۷ بعثی‌ها را به اسارت گرفتیم، قلاویزان به دست رزمندگان فتح شد.

گویا آزادسازی مهران در آن زمان بازتاب منطقه‌ای و جهانی زیادی داشت.

خیلی زیاد! چون ما همزمان در سه محور درگیر بودیم؛ هم در مهران، هم در فاو و هم در خلیج‌فارس. در خلیج‌فارس بعثی‌ها با موشک‌هایی که امریکایی‌ها در اختیارشان گذاشته بودند کشتی‌های حامل نفت و کالای ما را می‌زدند و البته در مقابل تعدادی از کشتی‌های آنها هم با تیر غیب زده شد. امریکایی‌ها که این شرایط را دیدند اسکورت کشتی‌ها را بر عهده گرفتند اما نفتکش کویتی «اَلرَخاء» با نام «بریجتون» که تمامی تدابیر امنیتی از سوی نیروهای امریکایی برای آن لحاظ شده بود، در فاصله ۱۳ مایلی غرب جزیره فارسی، در اثر برخورد با مین‌های دریایی منفجر شد به طوری که حفره‌ای به بزرگی ۴۳ متر مربع در بدنه آن ایجاد شد. این یک نوع درگیری در جبهه خلیج‌فارس بود. یک جبهه هم در فاو داشتیم که هم نظامی بود و هم سیاسی. در جبهه سیاسی سعودی‌ها، اماراتی‌ها و کویتی‌ها و به عبارتی ۱۱ کشور عربی حضور داشتند و از صدام حمایت می‌کردند. باز پس‌گیری مهران طی ۴۸ ساعت ضربه سنگینی به آن جبهه سیاسی پشتیبان صدام وارد کرد.

شنیدن نام عملیات کربلای یک شما را یاد کدامیک از دوستان شهیدتان می‌اندازد؟

شهید بردبار فرمانده تخریب لشکر ما در این عملیات شهید شد. جانشین من هم آقای پوراسماعیلی که از بچه‌های نجف‌آباد بود و به لشکر ۲۵ کربلای مازندران آمده بود در کربلای یک شهید شد. شهید خیریان که یکی از میدان‌های نوشهر الان به نام ایشان است و در عملیات‌های قبل دست راستش را از دست داده بود، در مهران شهید شد. او یک نیروی ورزیده و دلاور بود که در جنگ‌های جنگلی بسیار ورزیده بود. از پارتیزان‌های جنگل بود و در عملیات‌هایی که علیه منافقین اوایل انقلاب در جنگل‌های شمال رخ داد نقش بسیار مؤثری داشت. دوستان زیادی شهید شدند و ما جا ماندیم.

در پایان اگر خاطره‌ای از این عملیات دارید بفرمایید.

در همین عملیات بود که من تفنگ سیمینوف داشتم و چون تیرانداز خوبی بودم قناسه زن هم بودم و سعی می‌کردم نقاط دیده‌بانی دشمن را کشف کنم و دیده‌بانانش را با تک تیر بزنم . باید خودم را به یک نقطه دیده‌بانی می‌رساندم. تفنگ سیمینوف را روی دوشم انداختم و در مسیر رفتن به آن نقطه با ۱۰ جنازه بعثی‌ها روبه‌رو شدم که روی زمین افتاده بودند. پیکرهایشان همه خونین بود. در یک کوره راه کوهستانی که روبه‌رویم بود حرکت می‌کردم ، دیدم دو نفر از رزمندگان ما از مقابل به سمت من می‌آیند. گفتم همین جا بایستید تا خبر بدهم و بچه‌های ما بیایند و این جنازه‌ها را به خاک بسپارند. مقداری که فاصله گرفتم صدای تیراندازی شنیدم، برگشتم دیدم چهار نفر از آنها که فکر می‌کردم کشته شده‌اند بلند شده‌اند و دخیل الخمینی می‌گویند. فهمیدم که آنها خودشان را در میان جنازه‌ها پنهان کرده بودند تا در فرصت مناسب و در تاریکی هوا فرار کنند. یکی از بچه‌های بسیجی آمد و هر چهار نفر را به پشت جبهه منتقل کرد. به شوخی می‌گفت چهار تا از دانه درشت‌هایشان را جدا کردم و می‌برم. نکته جالب اینجا بود که هر چهار نفر مسلح بودند در حالی که ابتدا من تنها بودم اما جرئت نکرده بودند بلند شوند.

ما در این عملیات علاوه بر مهران بر قسمت‌هایی از خاک عراق هم مشرف شدیم و هر گونه نقل و انتقال نظامی آنها در دید ما بود. در کربلای یک به آنچه می‌خواستیم رسیدیم و روستاهایی مثل منصورآباد، بهورزان، هرمزآباد و امامزاده حسن و خود پاسگاه فرخ‌آباد که پاسگاه مرزی بود همه آزاد شدند.

قهرمان مهران شهید کربلای یک شد

نرگس انصاری

اهل سیرجان بود، روستای امیرآباد شول. متولد ۱۳۳۶. شهید احمد شول یکی از حماسه آفرینان عملیات کربلای یک است که در این عملیات به شهادت رسید و امروز به بهانه سالروز عملیات کربلای یک در نهم تیر گذری کوتاه به زندگی این دلاورمرد خطه سیرجان می‌اندازیم.

روضه‌خوان امام حسین (ع)

زندگی ساده و بی‌آلایش خانواده احمد مثال‌زدنی بود، اما ناتوانی در تأمین مخارج زندگی باعث شد تا احمد درس را رها و در اوج علاقه‌مندی به ناچار با اتمام تحصیلات ابتدایی مدرسه را ترک کند تا در امرار معاش خانواده یاری‌رسان پدر شود. احمد از همان دوران کودکی عاشق امام حسین (ع) بود. با همان سواد کم دوران ابتدایی، در مجالس روضه‌خوانی در حد توانش نوحه سیدالشهدا سر می‌داد و با صدایش دل عاشقان اباعبدالله (ع) را می‌لرزاند و یاد عاشورا را در دل‌هایشان زنده می‌کرد.

سرباز فراری

وقتی به سنی رسید که باید به خدمت سربازی می‌رفت و از آنجایی که رژیم شاهنشاهی را قبول نداشت یا مرخصی می‌گرفت یا از پادگان فرار می‌کرد. همزمان با شروع مبارزات مردمی علیه طاغوت، او هم به صفوف انقلابی‌ها پیوست. احمد یکی از فعال‌ترین نیروهای انقلابی روستایشان بود.

داوطلب روزهای سخت

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آرزویی که او سال‌ها انتظارش را می‌کشید برآورده شد. احمد به دنبال خدمت در مسیر انقلاب به جمع سبزپوشان پیوست و در این مسیر از سختی‌ها استقبال کرد و همیشه داوطلب انجام مأموریت‌های سخت و دشوار بود. مأموریت‌های فراوان او به نقاط محروم از قبیل جیرفت، سیستان و بلوچستان و شرکت در نبردهای کردستان و در شهرهای سنندج و مهاباد را می‌توان از مجاهدت‌های این شهید دانست. احمد شول با شروع جنگ تحمیلی مشتاقانه به سوی جبهه شتافت. شهید احمد شول فاتح قلاویزان، مرد جبهه‌های پیکار و حماسه فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، بدر، والفجر ۸ و قهرمان مهران و کربلای یک بود.

شهید کربلای یک

احمد در زمان شهادت فرمانده گردان ۴۱۶ لشکر ۴۱ ثارالله بود. روضه‌خوان امام حسین(ع) در زمان عملیات با مداحی‌های سوزناکش شوری عجیب در دل بسیجیان ایجاد می‌کرد. یک عمر با عشق حسین (ع) زندگی کرد و سرانجام در عملیات کربلای یک به یاد حسین(ع) با لب تشنه به سوی مولایش شتافت.

گفت‌وگو

آزادسازی مهران در گفت‌وگوی «جوان» با سردار جانباز ناصر نادبی‌زاده

مهندسی رزمی پا به پای رزمندگان در کربلای یک حضور داشت

مبینا شانلو

مهندسی رزمی جنگ یکی از ستون‌ها و پشتوانه‌های اصلی در پیروزی رزمندگان بود. به قول بسیاری از فرماندهان جنگ، عملیاتی موفق نمی‌شد مگر آنکه مهندسی رزمی در آن نقش تعیین کننده‌ای داشت. در بسیاری از مواقع عملیات مهندسی رزمی خلأ کمبود لشکرهای عملیاتی را جبران می‌کرد. از این رو با سردار جانباز ناصر نادبی‌زاده فرمانده گردان مهندسی رزمی تیپ ۱۵ امام حسن مجتبی (ع) که در روند اجرای عملیات کربلای یک نقش بسزایی داشت، به گفت‌وگو نشستیم. روایت سردار نادبی‌زاده را از فتح مهران پیش‌رو دارید.

مهران باید آزاد شود

عملیات کربلای یک، ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه نهم تیر ۱۳۶۵ با رمز یا ابوالفضل عباس (ع) ادرکنی آغاز شد. این عملیات در منطقه عمومی مهران در پنج مرحله به اجرا در آمد که هدف آن آزادسازی شهر مهران بود. عراق بعد از تصرف مهران، تبلیغات زیادی به راه انداخته بود. تیپ ما بعد از فتح فاو برای انجام یک مأموریت عازم کردستان بود که با توجه به فرمان حضرت امام در خصوص آزادسازی مهران و دستوری که متعاقب آن به نیروی زمینی سپاه داده شد، برنامه تیپ ما هم تغییر کرد و در تاریخ هفتم تیرماه به سمت مهران حرکت کردیم و در ۴۰ کیلومتری این شهر مستقر شدیم.

> تیپ ما بعد از فتح فاو برای انجام یک مأموریت عازم کردستان بود که با توجه به فرمان حضرت امام در خصوص آزادسازی مهران و دستوری که متعاقب آن به نیروی زمینی سپاه داده شد، برنامه تیپ ما هم تغییر کرد و در تاریخ هفتم تیرماه به سمت مهران حرکت کردیم

مهندسی رزمی، حساس و سخت

از آنجا که مهندسی رزمی باید از ابتدای عملیات گام به گام و پا به پای یگان رزم خود حضور داشته باشد، تقریباً جزو اولین گردان‌هایی بودیم که در منطقه مستقر شدیم. سنگرهای عقبه پشتیبانی، سنگرهای اورژانس و سوله‌هایی که نیاز بود برای فرماندهی و دیگر قسمت‌ها را ساختیم. در شب عملیات هم ما با یک تیم مهندسی که شامل چند دستگاه بولدوزر و تعدادی لودر همراه با نیروهای پیاده بود حضور داشتیم. ما دو گردان وارد کردیم و یگان‌های دیگر هم بودند و فقط تیپ امام حسن مجتبی (ع) نبود، خیلی از لشکرها هم بودند؛ لشکر ۴۱ ثار الله، تیپ بیت‌المقدس، لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب، لشکر ۲۷ رسول‌الله و دو توپخانه سپاه و دو توپخانه ارتش هم بودند که توپخانه‌های ارتش واقعاً خیلی کمک کردند و حجم عظیم آتش توپخانه داشتیم.

در مرحله اول ما پیشروی خوبی داشتیم، از سمت امامزاده سید حسن حرکت کردیم. قرار بود صبح روز اول عملیات ۱۰ گردان به هم وصل شویم که اطلاع دادند عراق پاتک زده و مانع اتصال گردان‌ها شده است، البته پاتک بعثی‌ها توسط یگان‌های خودمان خنثی شد. در شب دوم ما خاکریزها و جان پناه‌هایی آماده کردیم که رزمندگان بتوانند پناه بگیرند. هر چه پیشروی بیشتر می‌شد ما باید سنگرهای مستحکم‌تر می‌ساختیم، زیرا آتش دشمن هم شدیدتر می‌شد ضمن آنکه درگیری‌ها هم بیشتر می‌شد و سنگرها باید طوری آماده می‌شد که رزمندگان بتوانند پدافند را انجام دهند و خط را نگه دارند تا مرحله دوم عملیات آغاز شود.

مأموریت مهندسی رزمی خیلی حساس و سخت است. ما باید همگام با نیروهای پیاده پیش برویم؛ یعنی ماشین آلات مهندسی اعم از بولدوزر و لودر هر لحظه باید در محل باشد تا در صورت نیاز نسبت به حفر سنگر و زدن خاکریز در هر نقطه که نیاز شد، اقدام کند. در تمام مراحل باید نیروهای رزمی را همراهی می‌کردیم حتی کار تخلیه مجروحان و پیکر شهدا را انجام می‌دادیم. برخی فکر می‌کنند همه نیروهای مهندسی رزمی که در دوران دفاع مقدس حضور داشتند و نقش آفرینی کردند، دوره‌های مختلف آموزشی نظامی یا کلاسیک دیده‌اند در حالی که اینطور نبود بیشتر از روی تجربه بود یا از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف دشمن بود که قوی شدیم.

سرعت عمل در تحرک

شب دوم عملیات هم خوب پیش رفت. بعد از این مرحله بود که یکی از تیپ‌های گارد ریاست جمهوری عراق پاتک سنگینی زد که رزمندگان ما دفع کردند. در ۱۲ تیر ماه توانستیم ارتفاعات قلاویزان را تصرف کنیم و در مرحله بعد ارتفاعات ۲۱۰ را گرفتیم. سرانجام ۱۸ تیرماه مهران آزاد و بلافاصله پاکسازی شهر آغاز شد. من آخر عملیات مجروح شدم در حالی که عملیات آزادسازی به پایان رسیده بود. الحمدلله همه کارها به خوبی پیش رفت و ما در این عملیات ضربه سنگینی به دشمن بعثی وارد کردیم.

عراق در این عملیات تنها نبود. کشورهای غربی و عربی پشت ارتش بعثی عراق بودند. حتی منافقین در این عملیات به کمک بعثی‌ها آمده بودند و در کار شناسایی و اطلاعاتی به آنها کمک می‌کردند. ارتفاعات قلاویزان اهمیت بسیار استراتژیکی داشت. هر کس این ارتفاعات را می‌گرفت بر مهران اشراف داشت. هدف اصلی، بازپس‌گیری شهر مهران و ارتفاعات سوق‌الجیشی قلاویزان و پاکسازی آن از لوث دشمن بود که این هدف صددرصد محقق شد. در این عملیات می‌توان بهترین عملکرد در روند پیروزی را اصل غافلگیری و سرعت عمل در تحرک و اجرای صحیح و به موقع مانورهای یگان‌ها در منطقه عنوان کرد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۰۶

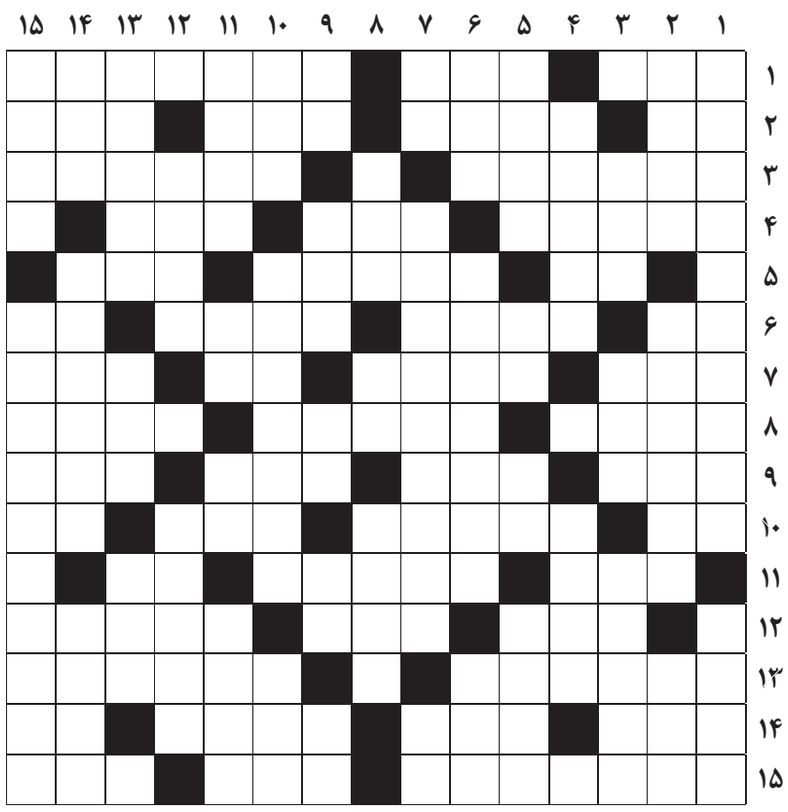

از راست به چپ

■ ۱ - از نمازهای واجب - در رهن بودن - از تیم‌های معتبر فوتبال اسلوونی ■ ۲- چاشنی ساندویچ - پیامبری که نامش با صبر مترادف است - دوستی - با هوله به معنی خوراکی‌های متنوع است ■ ۳- در عفو لذتی است که در آن نیست - بندری در استان گیلان ■ ۴- پرنده‌ای خاکی‌رنگ، کوچک‌تر از کبوتر - واحد شمارش احشام - از منابع فقه ■ ۵- کلاه الف - پشت‌سر - خرید و فروش ■ ۶- رمق آخر - تیزاب - الگو و نمونه - خاموش فرنگی ■ ۷- سرشب - گستره آبی که به اقیانوس متصل باشد - مملو - پول غنا ■ ۸- از نام‌های خدا - از پیامبران بنی‌اسرائیل - جدید ■ ۹- ذره باردار - ماده شیمیایی - به رخ کشیدن خوبی و احسان - غلط گیر اداری ■ ۱۰- حرف انتخاب - زیردست - اسب چاپار - واحد وزنی ■ ۱۱- ملعون تاریخ - مار افسانه‌ای - بنده و شما ■ ۱۲ - کیف ورزشکار - سال آذری - وقار ■ ۱۳- عبادان امروزی - دومین کشور پهناور جهان ■ ۱۴- مکر و حیله - کاپیتان آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴ - تند و تیز - از حروف صدادار ■ ۱۵- فرزند بزرگوار امام حسین(ع) که در صحرای کربلا به شهادت رسید - با زبان خوش می‌توان از لانه بیرون کشید - جامه آخرت

از بالا به پایین

■ ۱- از روش های سرقت - شاهراه ■ ۲- از بخش های اوستا - ورزشی راکتی که به صورت تک‌نفره و دونفره در زمینی احاطه‌شده با دیوارهای معمولاً شیشه‌ای بازی می‌شود - همراه کلنگ ■ ۳- بذر گیاه - پسر عربی - نتیجه راضی کننده برای تیم ضعیف‌تر ■ ۴- نمازگزاردن پشت سر امام جماعت - مقصود و هدف ■ ۵- رستنی - آب بند - نت موسیقی - نقشه عملیاتی ■ ۶- یکی از دو امپراتوری بزرگ روزگار پیامبر - قمر سیاره اورانوس - خالص ■ ۷- شبکه و سایت - علم استفاده از اشعه ایکس برای تشخیص امراض - تلخ ■ ۸- موشک ضدتانک - صدمتر مربع - همنشین ■ ۹- ترک استخوان - خانه - دریا - دانه خوشبو - زهر ■ ۱۰- سرند - کشور ماتادورها - کرایه خانه ■ ۱۱- وزیر خارجه اسبق امریکا - پرحرفی - حرف فاصله - موفق‌ترین دروازه‌بان تاریخ فوتبال آلمان ■ ۱۲- از میوه‌های مناطق گرمسیری - رأی نه مثبت نه منفی ■ ۱۳- شهیدی که خار چشم دشمنان اسلام بود - پول پرو - یکصدوبازده ■ ۱۴- نماهنگ - صدمین سوره قرآن کریم - پنبه‌زن ■ ۱۵- سالک - عهدنامه بین فتحعلی شاه و ناپلئون

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۷	۶			۱				۳
					۳	۱		۵
	۵	۳		۴				
۸		۵						
			۹		۶			
						۸		۷
						۳		۱
۲		۴			۷			
			۶		۲			

جدول کلمات متقاطع
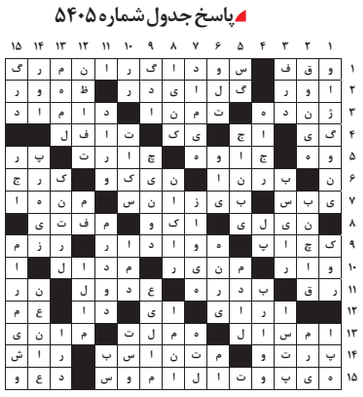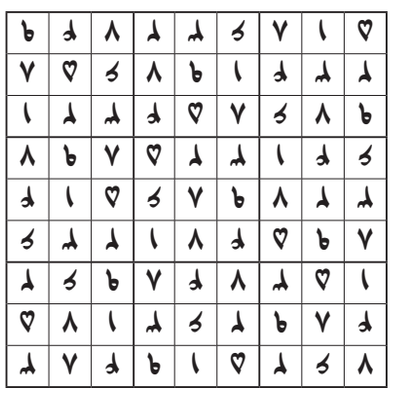
پاسخ جدول شماره ۵۴۰۵